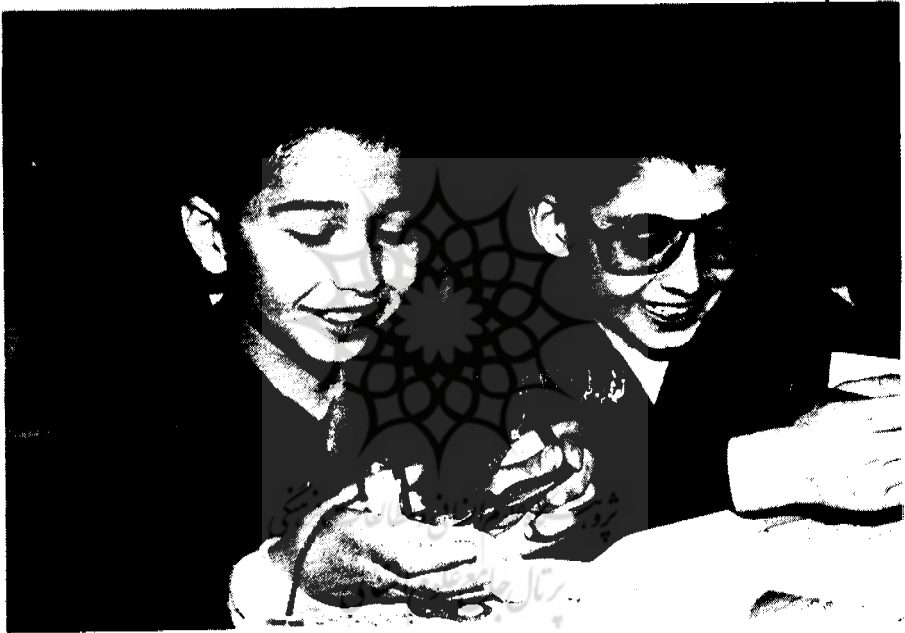


دکتر غلامعلی افروز

اولیا، مربیان و فراسند یادگیری

بخش اول



در اینجا عوامل مؤثر در یادگیری کنشهای ذهنی و کسب مهارتهای حرکتی به ساده ترین بیان و به طور اختصار توضیح داده می شود.

۱- رشد و آمادگی

برای اینکه کودک بتواند در یادگیری امور مورد نظر توفیق یابد، باید از رشد و آمادگی لازم

باتوجه به اصول و یافته های روان شناسی و قوانین یادگیری می توان به عواملی اشاره کرد که با ملاحظه داشتن آنها یادگیری به نحو مؤثر و شایسته تری صورت پذیرد. به دیگر سخن مربی می تواند با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در یادگیری، بدون هرگونه فشار روانی و اضطراب، زمینه انجام پایدارترین یادگیریها و کسب مهارتها را در فراگیران ایجاد کند.

برخوردار است.

باتوجه به اصل مهم نضج یا رشد و آمادگی کلی ضروری است حتی الامکان از اقدامات مربوط به پیش افتادگی تحصیلی اجتناب کرد. چه بسا بسیاری از کودکان قبل از سن ۶ سالگی آمادگیهای ذهنی، کلامی و حرکتی لازم را برای رفتن به مدرسه از خودشان نشان دهند و در سالهای اول مدرسه نیز با موفقیت تحصیل کنند، اما اگر این قبیل کودکان هماهنگ با رشد ذهنی و حرکتی از بلوغ عاطفی لازم و قدرت سازگاری اجتماعی برخوردار نبوده باشند، در بسیاری از موارد در سالهای بعدی مدرسه (بخصوص سالهای آخر راهنمایی و دوره دبیرستان) به لحاظ شرایط ناخوشایند عاطفی - اجتماعی بطور نسبی دچار افت تحصیلی شده، یا بعضاً با اختلالات خاص یادگیری مواجه می شوند.

۲- تجارب قبلی و یا احراز پیش نیازها

تواناییها، آموخته ها و تجارب قبلی هر فرد پایه و اساس قدرت ادراک و یادگیریهای بعدی او را تشکیل می دهد. ماهواره برای درک عناصر موجود در محیط اطراف خود و ارائه تعبیر و تفسیرهای مناسب و اتخاذ تصمیم مقتضی، از اطلاعات و تجارب گذشته خود بهره می گیریم. به قول جان دیویی فیلسوف شهیر آمریکایی هر تجربه ای تحت تأثیر تجربیات گذشته قرار دارد و به نحوی در تجربیات آینده تأثیر می گذارد.

توجه به تواناییها و تجربیات قبلی دانش آموزان شرط اساسی در توفیق برنامه های آموزشی است؛ چرا که توجه به تجارب قبلی

برخوردار باشد. آمادگی جسمی، ذهنی، روانی و عاطفی شرط اساسی یادگیری است. بچه ها برای اینکه بتوانند در فراگیری نوشتن، حساب کردن، خواندن، داشتن دامنه توجه لازم و انجام فعالیت های آموزشی موفق باشند، ضروری است از رشد ذهنی و عصبی، مهارت های حرکتی ظریف، سازگاری اجتماعی و بلوغ عاطفی به حد کافی بهره مند باشند.

بدیهی است که آمادگی افراد در مراحل مختلف رشد متفاوت است و بعضاً این گونه تفاوتها کاملاً محسوس و قابل ملاحظه می باشد. همین طور آمادگی یک فرد در زمینه های مختلف نیز متفاوت است. فی المثل کودکی ممکن است در ۶ سالگی آمادگی لازم را برای یادگیری خواندن و حساب کردن در سطح کلاس اول دبستان داشته باشد، اما تحمل فضای آموزشگاه، سازش یافتگی اجتماعی و خویشتن داریهای عاطفی برایش بسیار دشوار و بعضاً غیرممکن باشد. بالطبع سرعت یادگیری کودک هم هنگامی که از آمادگیهای لازم برخوردار است فوق العاده بیش از زمانی است که بدون آمادگی لازم و یا با حداقل آمادگی می - خواهد مهارتی را بیاموزد.

مربیان به هنگام ارائه برنامه های آموزشی می بایست به چگونگی آمادگیهای جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی کودکان توجه کنند. اگر از نظر مربیان، دانش آموزان آنها از جهات جسمی، حسی (بینایی، شنوایی و...)، هوشی، کلامی و مهارت های حرکتی هیچ گونه مشکلی برای شروع یادگیری ندارند، باید توجه داشته باشند که شرایط عاطفی، انگیزشی، آمادگی روانی و قدرت سازگاری اجتماعی در فضای آموزشگاه و کلاس درس از بیشترین اهمیت

۳ - انگیزه

انگیزه از اساسی ترین عوامل مؤثر در یادگیری است. انگیزه عبارت از میل و رغبتی است که فرد برای رسیدن به هدفی از خود نشان می دهد. هر قدر این انگیزه یا میل و رغبت بیشتر باشد، فرد تلاش بیشتری را از خود نشان می دهد.

برای اینکه کودکان و نوجوانان از انگیزه بیشتری برخوردار گردند، لازم است تدابیری اتخاذ کرد تا آنها نسبت به موضوع یا موضوعاتی که می خواهند یاد بگیرند علاقه مند شوند. بنابراین باید ابتدا تلاش کرد تا نگرش یا بازخورد خوشایندی در دانش آموزان نسبت به موضوع درس به وجود آید. در واقع این کار از مهمترین و حساسترین وظایف اولیاء و مربیان است. در خانه اولیا باید سعی کنند که فرزندشان همواره نگرش مثبت و خوشایندی نسبت به مدرسه، کلاس، معلم و درس داشته باشد و

شاگردان، چگونگی آمادگی آنها را برای یادگیری مفاهیم جدید، برای معلم مشخص می سازد.

کودک زمانی می تواند مهارت یا کنش ذهنی تازه ای را به نحو مطلوب بیاموزد که قبلاً زمینه آن را داشته باشد. به بیان روشتر زمانی می-توانیم از کودک خردسال انتظار دوییدن داشته باشیم که او راه رفتن را بدرستی آموخته باشد و برای اینکه کودک بتواند راه رفتن صحیح را تمرین کند، می بایست قدرت ایستادن را تجربه کرده باشد...

ما وقتی می توانیم به دانش آموزان دبستانی عمل تقسیم (:) را بیاموزیم که آنها قبلاً تجارب موافقی از ضرب کردن (X) را کسب کرده باشند؛ و زمانی قادریم از توان ایشان در یادگیری عمل ضرب (X) اطمینان حاصل کنیم که آنها عمل ساده جمع (+) را بطور شایسته ای یاد گرفته باشند. بنابراین در یک فرایند یادگیری مؤثر، مربی باید به چگونگی و میزان تجارب پیشین شاگردان خود و تفاوت های فی مابین آنان توجه داشته باشد.



باشد، آنها با رغبت، فعالیت و مشارکت بیشتر تلاش می کنند تا پیشرفت تحصیلی مطلوبی داشته باشند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که همواره دانش آموزی با هوش متوسط، اما با انگیزه‌ای قوی، پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به دانش آموز دیگری که از بهره هوشی بالاتری برخوردار بوده، ولی فاقد انگیزه کافی است، از خود نشان می دهد.

۴ - توجه و دقت

توجه یا دقت به معنای متمرکز ساختن ذهن و حواس مختلف برای فهمیدن موضوع خاصی



در مدرسه هم بخصوص در روزهای آغازین کلاس، معلمان باید با توجه به وضع عمومی شاگردان، تلاش کنند تا در آنان نگرشی مثبت و پویا نسبت به موضوع درس ایجاد شود. و آن گاه که شاگردان از نگرشی مثبت، خوشایند و موثر نسبت به مدرسه و درس برخوردار باشند، بالطبع با رغبت و انگیزه وافق بیشتری تلاش را از خود نشان خواهند داد.

مطالعات و بررسیهای انجام شده پیرامون علل افت تحصیلی در مقاطع مختلف، بیانگر این حقیقت است که در غالب موارد فقر انگیزشی بیشتری نقش را دارد. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، بچه ها به رغم اینکه از بهره هوشی قابل توجه برخوردارند، صرفاً به دلیل شرایط عاطفی نامساعد و فقر انگیزشی، دچار بی اشتهاهی تحصیلی شده، از پیشرفت تحصیلی مطلوب باز می مانند.

باید توجه داشت که محیط نامناسب خانه و مدرسه، خشونت، تهدید، تحقیر، تنبیه و سخت گیریهای بیهوده، انگیزه تحصیلی شاگردان را تضعیف کرده، زمینه افت تحصیلی ایشان را فراهم می آورد.

برای ایجاد انگیزه بایسته در شاگردان لازم است در فضای دوستانه و خوشایند، ضمن ایجاد نگرش مثبت در ایشان نسبت به فعالتهای آموزشی، با مهر و محبت، تلاشهای آنها را مورد تشویق قرار دهیم، زیرا بچه ها بیش از دیگران نیازمند تشویق و ترغیب هستند. از سوی دیگر اولیای آموزشی و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور نیز می بایست هدفها و برنامه های آموزشی را به گونه ای تنظیم کنند که تأمین کننده نیازها و تمایلات شاگردان باشد. وقتی برنامه ها و فعالتهای آموزشی مورد توجه شاگردان

مجاورت با موضوع مورد علاقه ما، توجه مان را به خود جلب می کند.

پرواضح است که در کلاس درس معلم باید بتواند بیشترین توجه و دقت شاگردان را به موضوع درس، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم جلب کند و تدابیری اتخاذ نماید که آنها بطور ارادی و کاملاً فعال به برنامه های آموزشی توجه داشته باشند. از آنجا که دقت ارادی مستلزم نیت، کوشش و فعالیت فرد است، بیشترین تأثیر را در فراگیری مطالب دارد. برای ایجاد دقت ارادی و افزایش دامنه توجه شاگردان، معلم باید ضمن حذف محرکهای زائد که موجبات حواس پرتی شاگردان را فراهم می سازد، با بهره مندی از محرکهای قوی و نافذ، از تدابیر لازم در ایجاد و تقویت انگیزه در

است. تا انسان به مطلبی توجه نکند، قادر به یادگیری آن نخواهد بود. توجه، مقدمه ادراک، یادگیری و تفکر است. یادگیری به معنای دقیق آن بدون ادراک مسأله میسر نمی شود. در برخورد به جهان خارج ابتدا ذهن و حواس ما روی امر خاصی تمرکز پیدا می کند و بعد آن را ادراک کرده، نسبت به آن بصیرت و بینش پیدا می کنیم.

دقت امری است انتخابی. انسان همیشه با محرکهای مختلف مواجه می شود و برای اینکه ذهن و حواس خود را روی شیء یا مسأله خاصی متمرکز سازد، ناگزیر به انتخاب آن است.

بدیهی است وقتی که انسان از نظر جسمی، عاطفی و روانی آمادگی لازم را برای انتخاب محرک خاصی داشته باشد، توجه و دقت بهتر و بیشتری را از او انتظار داریم. در هر حال دقت مستلزم فعالیت حواس مختلف، دستگاه عصبی و عضلانی و بهره مندی از تجارب گذشته فرد است.

دقت از لحاظ موضوع چهارگونه است:

- ۱ - دقت حسی: یعنی زمانی که محرکهای سمعی یا بصری، صدا یا آهنگ خاص، رنگ معین و منظره زیبایی توجه ما را به خود جلب می کند.
- ۲ - دقت ذهنی: زمانی است که فکر، ایده یا مسأله خاصی ذهن ما را مشغول می سازد.
- ۳ - دقت یا توجه مستقیم: توجه یا دقت مستقیم زمانی است که ما به دلایل مختلف از جمله علاقه مندی شخصی، به موضوع خاصی توجه می کنیم.
- ۴ - دقت یا توجه غیر مستقیم: دقت غیر مستقیم زمانی است که مسأله یا موضوعی به لحاظ



کردن از آهنگ یکنواخت کلام خودداری کرده، سعی نمایند تغییرات محسوسی در "تن" صدای خود ایجاد کنند. در این شرایط، شاگردان کمتر خسته شده، بیشتر توجه می کنند.

۲ - تکرار: منظور از تکرار این است که محرک خاصی برای جلب توجه مخاطبان به صورت سمعی و بصری در فواصل معین و شرایط و موقعیت های متفاوت تکرار می شود. مثلاً معلم تعریف خلاصه موضوع خاصی را در فواصل معین و در ساعات مختلف تکرار می کند. این تکرار توجه شاگردان را جلب می نماید و لذا نسبت به موضوع حساس می شوند.

بدیهی است تکرار موضوع یا مسأله خاص، زمانی می تواند موجبات دقت بیشتر را فراهم کند که در شرایط و موقعیت های متفاوت و با تنوع و تازگی و به صور مختلف صورت پذیرد.

۳ - شدت: مقصود از شدت یا قدرت، آن است که محرک ارائه شده به صورت فوق العاده قوی توجه همگان را به خود جلب کند. صدای

مخاطبان خود برخوردار باشد.

برای اینکه کودکان و نوجوانان در کلاسهای درس از دقت بیشتر و دامنه توجه گسترده تر برخوردار باشند، لازم است اولیاء و مربیان به عوامل مؤثر در دقت، توجه خاص مبذول دارند. عواملی که در کمیت و کیفیت دقت افراد دخیلند عمدتاً به دو دسته برونی و درونی تقسیم می شوند.

عوامل برونی دقت

۱ - تغییر و حرکت: تغییراتی که در محیط اطراف ما به صورت کمی یا کیفی انجام می - پذیرد بیش از یکنواختی و سکون توجه ما را به خود جلب می کند. تغییراتی که در محرکهای سمعی و بصری ایجاد می شود موجب جلب توجه بیشتر شاگردان می گردد. این گونه تغییرات شامل تغییر صدای معلم هم می شود. بنابراین مربیان می بایست به هنگام صحبت



وقتی که فردی با آمادگی قبلی به کلاس یا سینما می رود انتظار این است که دقت بیشتری نسبت به دیگران داشته باشد.

۳- نیازهای اساسی: همواره موضوعات یا مسائلی که به گونه‌ای در ارتباط با نیازهای اساسی و فطری ما باشند بیش از سایر مسائل توجه ما را به خود جلب می‌کنند. نیازهای اساسی مهمترین محرک برای جلب توجه و دقت انسانهاست. وقتی که معلم با زبان لاین و مهر و عطوفت سخن می‌گوید و بطور مستقیم و غیرمستقیم به نیاز بچه‌ها به محبت و دوستی پاسخ می‌گوید، بچه‌ها با همه وجود به او توجه می‌کنند و با بیشترین دامنه توجه، کمترین خستگی را از خود نشان می‌دهند. و بازمانی که معلم در کلاس دبیرستان یا دانشگاه پیرامون پدیده جوانی، انگیزه‌ها و نیازهای جوانان و مشکلات و مسائل اجتماعی - سیاسی سخن می‌گوید، دانش آموزان و دانشجویان با همه

بلند، رنگ تند و خیره کننده، تصویر بزرگ و... می‌تواند براحتی توجه دیگران را جلب نماید. فی المثل وقتی معلمی برای آموزش بهداشت دندان یک جفت دندان مصنوعی فوق العاده بزرگ را با خود به کلاس می‌برد، براحتی توجه همه کلاس جلب می‌شود.

۴- تضاد: استفاده از رنگهای متضاد، تاریکی و روشنی، اندازه های فوق العاده بزرگ فوق العاده کوچک و... بیش از محرکهای هماهنگ توجه ما را به خود جلب می‌کنند.

۵- تازگی: هر محرکی که برای ما از نظر کمی و کیفی تازگی داشته باشد، بیش از محرکهای عادی توجه ما را به خود جلب می‌کند. به همین جهت انتظار می‌رود که اولیاء و مربیان همواره تلاش کنند با محرکهای سمعی و بصری که برای بچه‌ها تازگی داشته باشد توجه خاص آنها را به خودشان جلب نمایند.

عوامل درونی توجه و دقت

علاوه بر عوامل بیرونی یا محیطی، دسته دیگر از عوامل که عمدتاً شخصی و درونی است در ایجاد ویا گسترش توجه، فوق العاده مؤثر هستند. این عوامل عبارتند از:

۱- عادت: بعضی از افراد در اثر عادت، به موضوع خاصی بیش از سایر موضوعات توجه می‌کنند. فی المثل عادت به گوش دادن به حرفهای معلم و عادت به انجام تکالیف در ساعات معین.

۲- آمادگی روانی: همان طوری که پیشتر نیز اشاره شد آمادگی قبلی برای توجه به موضوع خاص، موجب دقت بیشتر فرد می‌شود. مثلاً





اثر تسلیق دیگران، نسبت به امور خاصی
علاقه‌مند شده، توجه بیشتری نشان می‌دهند.

در این زمینه نیز نقش الگوهای رفتاری
فوق‌العاده مهم است. بچه‌ها وقتی که می‌بینند
الگوهای رفتاری مطلوبشان نظیر پدر، مادر،
معلم، دایی، عمه، خاله، عمو، و... نسبت به
بعضی چیزها و موضوعات توجه بیشتری از
خود نشان می‌دهند، آنها نیز نسبت به آن چیزها
و موضوعات علاقه و توجه خاص ابراز می-
کنند. به عبارت دیگر، اگر پدر و مادر و یا معلم
می‌خواهند بچه‌ها نسبت به بعضی چیزها
توجه بیشتری داشته باشند، ساده‌ترین راه این
است که به آنها محبت کنند، قلبهای آنان را با
مهر و عطوفت مسحّر نمایند و با آنها هم‌زبان و
همراه شوند، آنگاه خواهند دید که بچه‌ها با
علاقه‌مندی و کنجکاوی قابل ملاحظه نسبت به
امور مورد علاقه بزرگسالان مطلوب و محبوب
خود علاقه و توجه خاص نشان می‌دهند.

وجود وقت بسیار به سخنان معلم گوش می-
سپارند.

۴- رغبت و انگیزه: همان طور که قبلاً اشاره
شد، بچه‌ها براساس تجارب گذشته، امیال
و آرزوهای خود، به محرکهای مختلف توجه
می‌کنند. تمایلات درونی و انگیزه شخصی در
امر توجه و دقت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، یعنی
با اینکه شدت محرک می‌تواند توجه فرد را به
خود جلب نماید، اما چنانچه مورد رغبت
و علاقه او نباشد، بلافاصله توجه فرد به امر
دیگری معطوف می‌شود. در هر حال در این
ارتباط مریبان دو وظیفه مهم برعهده دارند. اول
اینکه سعی کنند در فعالیتهای آموزشی، رغبتها
و علاقه‌های دانش‌آموزان را مورد توجه قرار
دهند و نیز نسبت به برنامه‌های آموزشی و
موضوعات درسی در بچه‌ها علاقه و انگیزه
ایجاد کنند.

بدیهی است در بسیاری از مواقع کودکان در